

ترجمه امپریالیستی و شرق‌شناسانه سر ریچارد فرنسیس برتون از هزار و یک شب

روح‌اله نعمت‌الهی^۱، مسعود شریفی‌فر^{۲*}، فرشید نجار همایون‌فر^۳

چکیده

یکی از حوزه‌های ادبیات تطبیقی مطالعات بین‌رشته‌ای است. شرق‌شناسی اساساً ماهیتی بین‌رشته‌ای دارد که حوزه‌های زیادی را قرین و قریب هم کرده است. این مقاله به بررسی شرق‌شناسانه ترجمه سر ریچارد برتون از هزارویک شب می‌پردازد. مسئله اصلی تحقیق پیش‌رو این است که علت توجه سر ریچارد برتون به هزارویک شب چه بود و چرا سر ریچارد برتون هزارویک شب را ترجمه کرد؟ هدف مقاله این است که نشان دهد ترجمه سر ریچارد برتون از هزارویک شب ترجمه‌ای امپریالیستی است و ترجمه وی برای مقاصد امپریالیستی انجام گرفته است. روش تحقیق این مقاله توصیفی، تحلیلی و کتابخانه‌ای است و چهارچوب نظری مقاله بر مبنای نظریات شرق‌شناسانه ادوارد سعید قرار است. نتایج این مقاله نشان داد برتون در ترجمه هزارویک شب دخل و تصرف کرده و آن را با توجه به سیاق و نگرش غربی خویش نگاهشته است؛ از این‌رو خود را به‌عنوان نماینده غرب، متمدن و شرق را دون پنداشته است و ترجمه را به منظور تدقیق در احوال و حالات شرق انجام داده است. این تحقیق نشان داد ترجمه هزارویک شب آینه تمام‌نمای نگرش‌های شرق‌شناسانه و تعصبات امپریالیستی برتون است و او ترجمه را به‌عنوان سلاحی برای شلیک به شرق به کار می‌برد و شرق را با قلم خویش، ذات‌گرایانه جغرافیای احساس، شهوات و فحشا، به جهان معرفی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: هزارویک شب، استعمار، ترجمه، سر ریچارد برتون، شرق‌گرایی

۱. استادیار زبان و ادبیات فرانسه، گروه زبان‌های خارجی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران nematolahi@uk.ac.ir
۲. دانشیار مطالعات ترجمه، گروه زبان‌های خارجی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول) m.sharifi@uk.ac.ir
۳. مربی زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان‌های خارجی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران farshid_nhomayounfar@uk.ac.ir

ارجاع به این مقاله:
روح‌الله نعمت‌الهی؛ مسعود شریفی‌فر؛ فرشید نجار همایون‌فر. "ترجمه امپریالیستی و شرق‌شناسانه سر ریچارد فرنسیس برتون از هزار و یک شب". مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات، هنر و علوم انسانی، ۴، ۱۴۰۳، ۲۰۲-۱۸۳. doi: 10.22077/islsh.2024.7399.1419



مقدمه و بیان مسئله

یکی از حوزه‌های ادبیات تطبیقی مطالعات بین‌رشته‌ای است که در سال‌های اخیر توجه محققان و پژوهشگران را به خود جلب کرده است. می‌توان شرق‌شناسی را مظهر و نمونه‌بازر مطالعات بین‌رشته‌ای دانست که بین مطالعات فرهنگی، تاریخ، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و سیاست در حوزه شرق ارتباط برقرار می‌کند. این حوزه علمی به تحلیل و تفسیر ابعاد مختلف فرهنگی و اجتماعی، از جمله هنر، ادبیات، مذهب، سیاست و اقتصاد در مناطقی چون خاورمیانه، آسیای مرکزی، شبه‌قاره هند، آسیای جنوبی و شرق آسیا می‌پردازد. شرق‌شناسی نمونه کامل و بکر بین‌رشته‌ای است و تلاش می‌کند الگوهای پیچیده و متنوعی از زندگی انسانی در شرق را با رویکردی چندرشته‌ای مورد بررسی قرار دهد. این حوزه علمی، عاملی برای درک فرهنگ، تاریخ و جوامع شرقی است و می‌تواند به درک دینامیک‌های اجتماعی و فرهنگی این مناطق کمک کند.

چهارچوب نظری و روش تحقیق

ادوارد سعید، نظریه‌پرداز ادبی فلسطینی-آمریکایی، منتقد فرهنگی و مدافع حقوق فلسطینیان، متأثر از میشل فوکو با تأکید بر توجه به نقش قدرت و امپریالیسم در تحولات فرهنگی و ادبیات شرقی، به گسترش دیدگاه‌های پویا و تأثیرگذار در زمینه شرق‌شناسی کمک بسزایی کرده است. اثر تأثیرگذار وی با عنوان شرق‌شناسی در سال ۱۹۷۸ منتشر شد. طبق گفته‌های شرق‌شناسانه، غریبان برای درک هرچه بیشتر شرق، از تمامی عوامل موجود استفاده کردند؛ از نویسنده، نقاش، روزنامه‌نگار، زبان‌شناس و مورخ گرفته تا سیاست‌مدار، تاریخ‌نگار و فیلم‌ساز که همه و همه در خدمت غرب بوده و شرق را ساخته و پرداخته‌اند (سعید ۱۹۷۸: ۲۳). نگاه غرب به شرق یکی از موضوعات حیاتی و پراهمیت است که در تاریخ مطالعات شرق و روابط بین‌الملل بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این نگاه تاریخی با ایدئولوژی‌ها، تصاویر و تصورات مختلف درباره شرق و اقوام شرقی همراه بوده است. طبق نظر ادوارد سعید، نگاه غرب به شرق الگوهایی از تعصب، تصورات نادرست سیاسی و فرهنگی را نشان می‌دهد (۵). از زمان‌های قدیم، مطالعه و اسطوره‌های یونانی و رومی باعث شکل‌گیری تصاویر رمانتیک و عجیب از شرق شد. سفرنامه‌ها، داستان‌ها و فیلم‌های غربی نیز به این تصاویر و تصورات منفی یا مثبت کمک می‌کنند. همچنین، در دوره‌های استعمار و امپریالیسم، نگاه‌های غربی به شرق اغلب با قدرت، تفوق فرهنگی و تمدنی و تصاویر رمانتیک شرق همراه بوده است. برخی از اصلاحات خصوصاً برای فهم بهتر و تجزیه و تحلیل منصفانه‌تر وضعیت‌های زیسته و اجتماعی

در جوامع شرقی حائز اهمیت است. در حال حاضر، مفهوم نگاه غرب به شرق دارای ابعاد مختلف علمی و فرهنگی است و می‌تواند بسته به زمان و مکان، نتایج متفاوتی داشته باشد؛ به‌عنوان مثال، در زمینه‌های مطالعات فرهنگی، ادبیات، شرق‌شناسی و جامعه‌شناسی سعی بر آن است نگاه‌های غربی به شرق را در چهارچوب‌های نظری و تحلیلی گسترده‌تری مورد بررسی قرار داد (۳۴).

سعید در شرق‌شناسی، شیوه‌ای را که غرب به‌طور تاریخی «شرق» (به‌ویژه خاورمیانه، آسیا و شمال آفریقا) را در ادبیات، هنر و پژوهش بازنمایی کرده است، مورد بررسی قرار می‌دهد. او استدلال می‌کند که بازنمایی‌های غربی از شرق با انگیزه‌های سیاسی، فرهنگی و امپریالیستی شکل گرفته‌اند که منجر به کلیشه‌سازی، ساده‌سازی بیش از حد و ایجاد تصویری تحریف‌شده و عجیب‌وغریب از شرق شده است (۲۱). او مدعی است که شرق‌شناسی فقط یک رشته دانشگاهی نیست؛ بلکه نوعی سلطه فرهنگی و سیاسی است که به ایجاد تضاد بین غرب متمدن و عقلانی و شرق عجیب و غریب و غیرعقلانی کمک می‌کند (۱۳). او نشان می‌دهد که غرب چگونه از این چهارچوب برای توجیه استعمار، امپریالیسم و انقیاد فرهنگ‌های شرقی استفاده کرده است. شرق‌شناسی ادوارد سعید به نقد مفاهیم غربی از شرق می‌پردازد و پویایی‌های قدرت و سوگیری‌های ذاتی در بازنمایی فرهنگ‌های شرقی توسط محققان، نویسندگان و هنرمندان غربی را برجسته می‌کند. این کتاب، ادراکات غربی از شرق را در ادبیات، هنر و پژوهش به نقد می‌کشد. سعید استدلال می‌کند که شرق‌شناسی ابزار قدرتی است که توسط غرب برای تسلط و کنترل شرق استفاده می‌شود. بازنمایی‌های غربی از مشرق‌زمین متأثر از انگیزه‌های سیاسی، فرهنگی و امپریالیستی است. او ایجاد یک تقابل دوتایی بین غرب عقلانی و متمدن و شرق عجیب و غریب و غیرمنطقی را برجسته می‌کند. این دوتایی، کلیشه‌ها را تقویت و برتری غرب را توجیه می‌کند. شرق‌شناسی در توجیه استعمار و امپریالیسم نقشی ایفا کرد که شرق را پست‌تر و نیازمند مداخله غرب نشان می‌داد. سعید معتقد است دانشمندان، نویسندگان و هنرمندان غربی به تصویری تحریف‌شده از مشرق‌زمین کمک کردند و فرهنگ‌های متنوع را بیش از حد به موجودیتی یک‌پارچه و عجیب و غریب تقلیل دادند. او معتقد است که مطالعات شرق‌شناسی بی‌طرف نیست؛ بلکه در خدمت برنامه‌های سیاسی است و درک شرق را به‌گونه‌ای شکل می‌دهد که به نفع منافع غرب باشد. در مجموع، شرق‌شناسی نقدی است بر پویایی قدرت، سوگیری‌ها و مفاهیم فرهنگی نهفته در برداشت‌های غربی از شرق (۳۴).

پیشینه تحقیق

در مورد ترجمه هزارویک شب به قلم سر ریچارد فرنسیس برتون تحقیقات متعددی انجام شده است. برخی از مقالات مرتبط با حوزه مورد مطالعه عبارتند از: «پشته گل شرقی کاپیتان برتون» از کندی^۱ (۲۰۰۰). وی معتقد است که برتون هزارویک شب را ترجمه کرد تا محدودیت‌های جنسی دوران ویکتوریا را گوشزد کند و تلاشی جسورانه انجام داد برای برانگیختن رویارویی با آن نیروهایی که جامعه بریتانیا آن‌ها را مظهر تعصبات اخلاقی و فضولی فکری می‌دانست. کالیگن^۲ (۲۰۰۲) در مقاله «هرزه‌نگاری غامض هزارویک شب سر ریچارد برتون و ریشه‌های پورنوگرافی» معتقد است که برتون متن عربی را که فرهنگ انگلیسی به‌عنوان متن خود پذیرفته بود، آشناسازی کرد. ترجمه او به‌شدت نمایش فرهنگی انگلیسی هزارویک شب را مختل کرد؛ تا حدی که به آن «هرزه‌نگار» اطلاق شد. نیپ^۳ (۱۹۷۴) در مقاله «هزارویک شب در انگلستان: ترجمه گالاند و جانشینان آن» صحت مشاهدات عجیب و ظاهراً دست‌اول ریچارد برتون از آداب جنسی شرقی را زیر سؤال می‌برد و معتقد است بسیاری از آن‌ها فانتزی‌ها و برون‌یابی‌های خود برتون هستند. وازان^۴ (۱۹۹۳) در مقاله «هزارویک شب در ادبیات غرب: تحلیل گفتمانی» تحلیل متنی داستان شاه شهریار و برادرش شهزمان از هزارویک شب را در نسخه انگلیسی برتون و نسخه فرانسوی گالاند در مقایسه با متن عربی ارائه می‌کند. یارد^۵ (۲۰۰۰) در مقاله «منابع جویس: مقاله پایانی» سر ریچارد اف. برتون در رمان بیداری فینگان‌ها» به تأثیرگذاری هزارویک شب برتون بر رمان بیداری فینگان‌های جیمز جویس اشاره کرده است. این داستان در نسخه‌های خطی مختلف هزارویک شب یکسان است و به‌عنوان پایه‌ای برای ترکیب هزارویک شب در نظر گرفته شده است. متیلدا روزنثال^۶ (۱۹۹۰) در مقاله «اوربوروهای ادبی برتون: هزارویک شب به‌عنوان روایت خودبازتابی» معتقد است با خواندن دقیق نسخه برتون، متوجه می‌شویم که قاب داستان (شهرزاد) خود در چهارچوب دیگری قرار دارد. متوجه شدیم که کتاب یک روایت خودبازتابی است. با نگاهی به چهارچوب درونی و داستان‌های نهفته در آن، می‌توانیم ببینیم که کل واقعاً به بخش‌های به‌ظاهر تصادفی‌اش معنا می‌بخشد. روزبه و انوشیروانی (۱۳۹۵) در مقاله «هزارویک شب از منظر بازآفرینی ادبیات» به بررسی تفسیر خاص

1 Kennedy

2 Colligan

3 Knipp

4 Wazzan

5 Yared

6 Rosenthal

استیو بارون از کتاب *هزارویک شب* در شکل بازآفرینی آن در فیلم *هزارویک شب* پرداخته‌اند. روزبه و انوشیروانی نتیجه می‌گیرند که فیلم بارون از منظر ادوارد سعید و گفتمان شرق‌شناسانه آن، شرق را فرودست بازآفرینی کرده است. رانا کبابنی^۱ در کتاب *اسطوره‌های اروپاییان از شرق*، با تحقیر به کتاب *هزارویک شب* نگاه می‌کند و در مورد اشتیاق غرب به داستان‌های *هزارویک شب* می‌نویسد: «چراکه اروپا از قبل علاقه اقتصادی بی‌وقفه به مشرق‌زمین ابراز می‌کرد و پایان قرن هجدهم آغازگر حضور امپریالیستی قرن هجدهم بود؛ بنابراین، شیفتگی مکان‌ساختگی با نفوذ به بازارهای واقعی شرق همراه بود» (۱۹۸۶: ۲۹) همچنین: «شرق برآمده و برساخته از تخیل غرب فرصتی برای سرکوب جنسی و ویکتوریایی فراهم کرد. از *هزارویک شب* برای بیان اشتیاق‌های وابسته به عشق شهوانی سرکوب شده استفاده می‌شد» (۳۶). او در فصل دوم همین کتاب به بررسی تمام ترجمه‌های *هزارویک شب* می‌پردازد و معتقد است متن *هزارویک شب* بهانه‌ای برای مفاهیم شرق‌شناسی بوده است. به‌زعم کبابنی، برتون زنان شرقی را هرزه و شهوانی نشان داده است. کبابنی مطالعه خود را محدود به زنان کرده است و ترجمه برتون را به خاطر توصیفات زشت و ناپسند از زنان شرق محکوم می‌کند. کبابنی همچنین نتیجه می‌گیرد «آنچه راوی احساس می‌کرد نمی‌تواند در مورد زنان اروپایی بیان کند، بی‌پرده و بدون شرم درباره زنان شرقی گفته است. زنان شرقی صرفاً برای بیان آرزوی شهوانی او موجودیت پیدا می‌کنند. اخلاق‌گرایان و دانشمندان علوم اجتماعی دوره ویکتوریا نیز به خاطر همین موضوع اغلب انگیزه‌های جنسی را به زنان طبقه‌پایین، برده یا خارجی فرافکنی می‌کردند که به زنان خود ابراز نمی‌کردند» (۵۹). الهادی (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «شعر شرق‌شناس و ویکتوریا: ریشه‌ها و معانی»، استدلال می‌کند که شرق‌شناسی در عصر ویکتوریا دارای دو موضوع بحث‌برانگیز است، یعنی منشأ و معنا. در رابطه با معنا، شرق‌شناسی دارای دو برداشت مثبت و منفی است: دست‌کم گرفتن جهان شرقی یا بازنمایی واقعی آن جهان؛ واقعیتی که در شرق‌شناسی سعید (۱۹۷۸) و نقد آن اثر، تجسم یافته است؛ درحالی‌که منشأ آن به منابع مختلف در دوره‌های مختلف از مورخان قبل از هومر تا توسعه ادبی و فرهنگی قرن نوزدهم بازمی‌گردد. با این حال، وی استدلال می‌کند که شرق‌شناسی در دوره ویکتوریا ریشه در چهار جنبه انتقادی فرهنگ غرب قرن هجدهم و نوزدهم دارد: ۱. علاقه اروپا برای ترجمه *هزارویک شب*، ۲. بازنمایی رمانتیک‌ها از شرق، ۳. به‌تصویرکشیدن وسواس تریاک و ۴. کشف مجدد حماسه گیلگمش که توسط آشورشناس انگلیسی، جرج اسمیت^۲ در سال ۱۸۷۲ انجام

1 Rana Kababni

2 George Smith

شد. الهادی از این خاستگاه‌ها و همچنین سعید و گفتمان شرق‌شناسی، شرق‌شناسی در هنر و ادبیات و ویکتوریایی، از شرق‌شناسی پیروی می‌کند. وی نتیجه می‌گیرد که شعر شرق‌شناسی و ویکتوریایی به دلیل خاستگاه‌ها و معانی مختلف تفکر شرقی، بسیار دوسوگراست و در نتیجه به تفسیرهای نادرستی منجر می‌شود. همان‌طور که پیشینه تحقیق نشان داد شرق‌شناسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و مقاله حاضر همگام و هم‌سو با پیشینه تحقیق، به تحلیلی شرق‌شناسانه از کتاب هزارویک شب ترجمه ریچارد فرنسس برتون می‌پردازد.

پرسش‌های تحقیق

تحقیق حاضر در پی پاسخ‌گویی به دو پرسش است: ۱. ترجمه هزارویک شب توسط برتون ترجمه‌ای سیاسی است یا ادبی؟ ۲. آیا می‌توان ترجمه هزارویک شب توسط برتون را از دیدگاه شرق‌شناسی ادوارد سعید بررسی کرد؟ براساس این پرسش‌ها، این فرضیه مطرح می‌شود که ترجمه هزارویک شب برای شناخت و کنترل شرق انجام شده است و به خاطر کیفیت خود داستان‌های هزارویک شب نبوده است. حال با این تفاسیر این ترجمه از دیدگاه شرق‌شناسی ادوارد سعید قابل بررسی است.

بحث و بررسی

ترجمه هزارویک شب ریچارد برتون

ترجمه هزارویک شب ریچارد برتون (Richard Burton) با این هدف انجام شد که داستان‌های شرق در دسترس هرچه بیشتر مخاطبان غربی قرار گیرد. برتون، کاشف، جغرافی‌دان، مترجم، نویسنده و دیپلمات بریتانیایی بود. ترجمه او از هزارویک شب متأثر از تمایل او برای آوردن این داستان‌های عجیب و غریب به دنیای غرب و ارائه نسخه‌ای سانسورنشده از داستان‌ها بود. ترجمه برتون به خاطر پاورقی‌ها و حاشیه‌نویسی‌های فراوانش نیز معروف است که توضیحات بیشتری را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. او معتقد است که مقیاس بزرگ این تلاش با جسارت آن مطابقت داشت. برتون نه تنها به عموم خوانندگان انگلیسی اولین ترجمه رک و سانسورنشده خود از داستان‌ها ارائه داد؛ بلکه متن را با پاورقی‌هایی در مورد جنبه‌های غریب فرهنگ اسلامی، به ویژه آداب و رسوم جنسی، پر کرد و جلد دهم را با «مقاله پایانی» که شامل گفتاری طولانی در مورد لواط بود، پایان داد. این کار عجیب، برتون را به وسط یک سلسله بحث پیرامون مسائل جنسی و بحث غرب

و شرق سوق داد (کندی ۲۰۰۰: ۳۱۷). و بر اغلب بر خواندن هزارویک شب به عنوان نمایشی از «آداب و رسوم» مشرق زمین تأکید می‌کند:

از آنجایی که به‌طور کلی تصویری واقعی و قابل توجه از آداب و رسوم رایج در میان برخی از ملل مشرق زمین را ارائه می‌دهد، ارزش این داستان‌ها مورد مناقشه قرار نگرفته است... با مطالعه هزارویک شب و مجموعه‌های دیگری با ماهیت مشابه، به‌گونه‌ای که در حافظه تأثیرگذارتر و برای ذهن خوشایندتر است، بینشی کامل از عادات خصوصی، آسایش خانگی و محرومیت‌های شرقی‌ها به دست می‌آوریم. ما هدایت می‌شویم تا در تفریحات مورد علاقه آن‌ها شرکت کنیم و از احساسات مذهبی و خرافات آن‌ها آگاهی پیدا کنیم (۱۸۱۲: ۲۳).

در جمله و بر نکته‌ای نهفته است. اگر به عبارت «خرافات» توجه کنیم متوجه می‌شویم که نگاه غربیان به شرق از همین آبشخور شرق‌شناسی ناشی می‌شود. سر ریچارد برتون در ترجمه‌های خود از هزارویک شب، عمدتاً به ترسیم فرهنگ شرقی و به‌خصوص فرهنگ اسلامی توجه کرده است. این توجه به دلیل تعامل او با مفاهیم و ارزش‌های فرهنگ شرقی و همچنین به دنبال نقد و مقایسه با فرهنگ غرب است. برتون از این اثر به‌عنوان یک راه برای نمایش و تحلیل تفاوت‌ها و مشابهت‌های فرهنگی استفاده کرده است. در زمان فعالیت برتون، مسائل مربوط به ارتباطات فرهنگی و تضاد بین فرهنگ‌ها موضوعات مهمی بوده‌اند. ترجمه‌های او از هزارویک شب به‌عنوان یک پاسخ به چالش‌ها و انتقادهای مطرح‌شده در جامعه‌اش درباره‌ی مسائلی همچون احتمال تأثیرپذیرفتن فرهنگ‌های شرقی از فرهنگ غربی و گرایش‌های استعماری مطرح شده است. برتون معتقد است که «هزارویک شب بدون تفسیر برای خوانندگان غربی سودمند نخواهد بود. وی همچنین اشاره می‌کند که حاشیه‌نویسی‌های وی موضوعات مختلفی را پوشش می‌دهد؛ اما از بحث در مورد موازی‌های فولکلور و افسانه‌های اروپایی اجتناب می‌کند؛ زیرا این امر کتاب را با توجه به تمرکز آن بر مردم‌شناسی، بیش از حد حجیم می‌کند» (ج ۱: ۱). خود برتون می‌گوید یادداشت‌هایی که در ترجمه هزارویک شب ارائه کرده است، نشان‌دهنده مخزن دانش شرقی در شکل مرموز آن است. در مورد گفته ریچارد برتون، تأکید بر «شکل مرموز» معرفت شرقی، تلقی از شرق را به‌مثابه برخوردار از معرفت پنهان و عرفانی نشان می‌دهد که به آسانی برای ذهن غربی قابل دسترسی نیست. این با تمایلات شرق‌شناسانه برای به‌تصویرکشیدن شرق به‌عنوان قلمروی اسرار محرمانه هم‌سو است. علاوه بر این، مفهوم «مخزن دانش شرقی» متضمن مجموعه‌ای از دانش است که ذاتاً شرقی است و ایده تقسیم روشن بین نظام‌های

دانش شرقی و غربی را تقویت می‌کند که جنبه‌ای کلیدی از تفکر شرق‌شناسی است. درواقع، بررسی ترجمه ریچارد فرانسیس برتون از هزارویک شب و استقبال از آن، می‌تواند پیش‌های درباره بحران هویت اواخر دوره ویکتوریا ارائه دهد. اواخر قرن نوزدهم با تغییرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی قابل توجهی همراه بود و آثار برتون منعکس‌کننده پیچیدگی‌های زمان خود وی است. در اینجا برخی از جنبه‌ها وجود دارد که باید در نظر گرفته شوند:

شرق‌شناسی و بحران هویت

ترجمه برتون در دوره‌ای انجام شد که علاقه مستشرقان به شرق افزایش یافت. مردم دوره ویکتوریا با پرسش‌های مربوط به هویت و تعریف خود دست‌وپنجه نرم می‌کردند و شیفتگی به شرق به‌عنوان راهی برای کشف جواب به این سؤالات بود. ترجمه هزارویک شب به دریچه‌ای تبدیل می‌شود که از طریق آن، مردم دوره ویکتوریا خود را در رابطه با شرقی که عجیب و غریب و اسرارآمیز است تعریف می‌کردند. برخورد صریح برتون با مضامین جنسی در ترجمه، انحراف از هنجارهای رایج ویکتوریایی بود و به بحث‌هایی در مورد جنسیت، اخلاق، و شایستگی فرهنگی کمک کرد. مناقشه پیرامون این جنبه‌های ترجمه او منعکس‌کننده تنش‌های درون جامعه ویکتوریایی در رابطه با هنجارهای اجتماعی و تهدید درک‌شده برای ارزش‌های سنتی است. اواخر دوران ویکتوریا با اوج امپراتوری بریتانیا همراه بود. ترجمه برتون را می‌توان بخشی از تبادل فرهنگی گسترده‌تر بین قدرت استعماری و سلطه‌های آن دانست. این نشان می‌دهد که چگونه مشرق‌زمین نه تنها منبعی از شیفتگی؛ بلکه حوزه‌ای برای درک، تفسیر و شاید کنترل بوده است. ترجمه و استقبال از آن، حکایت از طرز فکر امپریالیستی آن زمان دارد.

استقبال از ترجمه برتون بحث‌هایی را در مورد نقش ادبیات در شکل‌دادن به ارزش‌های اخلاقی و محدودیت‌های بیان هنری برانگیخت. سؤالاتی در مورد سانسور، حساسیت فرهنگی، و مسئولیت نویسندگان و مترجمان در ارائه فرهنگ‌های خارجی به مخاطبان غربی مطرح شد (کندی ۲۰۰۰: ۳۱۸). در مقدمه جلد نخست ترجمه هزارویک شب ریچارد برتون ادعایی را مطرح می‌کند که قابل تأمل و درخور توجه است:

من در اینجا به این جزئیات بیهوده، اما ضروری پایان می‌دهم تا خواننده را در چند کلمه پایانی مورد خطاب قرار دهم. خواننده به کتاب من ساده فکر نخواهد کرد وقتی به او تکرار می‌کنم که با کمک حاشیه‌نویسی‌های من، محقق به راحتی و با لذت چیزهای بیشتری راجع به آداب و رسوم، قوانین و مذهب مسلمانان یاد خواهد گرفت که یک مستشرق عادی می‌داند. اگر زحمات من او را وادار به حمله به متن هزارویک شب

کند، در زبان عربی بسیار بیشتر از آنچه یک عرب معمولی می‌داند، خواهد آموخت. این کتاب در واقع میراثی است که من به هموطنانم در ساعت نیازشان وصیت می‌کنم (جلد ۱: ۳۱).

در عبارات بالا به‌وضوح می‌توان دیدگاه شرق‌شناسی ریچارد برتون را مشاهده کرد. در این جملات متوجه می‌شویم که داستان‌های هزارویک شب را که تخیلی هستند به‌عنوان واقعیت فرض کرده و قصدش صادره به مطلوب‌کردن و جریان‌سازی است. خواننده غربی از داستان‌های هزارویک شب قرار است آداب و رسوم، قوانین و مذهب مسلمانان را بیاموزد. قصد برتون بحث ادبی داستان‌ها نیست؛ بلکه صحبت درباره آداب و رسوم یک قوم است؛ یعنی متن بهانه‌ای است برای گفتن طولانی جامعه‌شناختی در شرق. در ادامه می‌گوید ضرورت دارد مطالعات سامی، بیشتر و بیشتر شناخته شوند تا از این رو انگلستان ارباب و حاکم اوضاع باشد:

وقت و انرژی را که صرف زبان و فرهنگ هندو کردم، به‌ویژه ادبیات سانسکریت، خوانندگان را از مطالعات «سامی» که برای ما ضروری‌تر هستند به بیراهه برده است و به ما می‌آموزند که باید از پس نژادی قدرتمندتر از بت پرستان به‌طور موفق‌آمیز برآییم. ظاهراً انگلیس هم‌واره فراموش می‌کند که او در حال حاضر بزرگ‌ترین امپراتوری اسلامی در جهان است. در سال‌های اخیر، انگلیس به‌طور نظام‌مندی از عرب‌گرایی غفلت کرده و در واقع، آن را در بررسی‌ها برای خدمات ملکی هند که به‌طور غیرقابل مقایسه‌ای ارزشمندتر از یونانی و لاتین است، نادیده گرفته است؛ از این‌رو، هنگامی که به‌طور ناگهانی مجبور به دردست‌گرفتن زمام حکومت در سرزمین‌های مسلمان، مانند افغانستان در زمان‌های گذشته و مصر در حال حاضر شد، پس از مدتی طوری شکست می‌خورد که برای دوستان و هم‌پیمانانش رسوایی به بار می‌آورد و ناآگاهی شدید انگلستان در مورد مردمان شرقی که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند، انگلستان را در معرض تحقیر اروپا و همچنین جهان شرق قرار می‌دهد (ج ۱: ۲۰)

در سطور بالا، نشانه‌های روشنی از نگرش‌ها و برداشت‌های مشخص شرق‌شناسی برتون وجود دارد. سطور بالا رویکرد انگلستان به رابطه خود با فرهنگ‌های «شرقی»، به‌ویژه فرهنگ‌های جهان اسلام را با نگاهی انتقادی به تصویر می‌کشد. ریچارد برتون پیشنهاد می‌کند که انگلستان، علی‌رغم اینکه بزرگ‌ترین امپراتوری اسلامی در جهان است، از مطالعه و درک عربیت غفلت می‌کند و فعالانه آن را منع می‌کند. این را می‌توان نمونه‌ای از تمایل جهان غرب به نادیده‌گرفتن و کم‌ارزش‌دانستن فرهنگ‌ها و نظام‌های دانش شرق دانست که منعکس‌کننده احساس برتری و عدم علاقه واقعی به درک و تعامل با این فرهنگ‌ها با شرایط خاص خود است.

ذکر بررسی خدمات ملکی هند بیشتر بر این نکته تأکید دارد. نویسندگان انگلستان انتقاد می‌کند که مطالعات یونانی و لاتینی را بر عرب‌گرایی ترجیح می‌دهد؛ علی‌رغم اینکه این دومی در حکومت بر سرزمین‌های اسلامی مرتبط‌تر و ارزشمندتر است. این منعکس‌کننده یک سوگیری نسبت به آموزش کلاسیک غربی و نادیده گرفتن اهمیت درک فرهنگ‌ها و زبان‌های شرق است که موضوع اصلی در گفت‌وگوهای شرق‌شناسی است. این جملات برتون همچنین بر «جهل و نادانی شدید» و بی‌کفایتی انگلستان در هنگام حکومت بر سرزمین‌های اسلامی، مانند افغانستان و مصر، تأکید می‌کند. این نشان‌دهنده عدم درک و همدلی با پیچیدگی‌های فرهنگ‌ها و جوامع در این مناطق است که یکی از جنبه‌های کلیدی نگرش‌های شرق‌شناسانه است. اظهارات برتون نمونه‌ای از شرق‌شناسی را نشان می‌دهد و نگرش‌های غرب مبنی بر غفلت، طرد و برتری نسبت به فرهنگ‌ها و نظام‌های دانش شرقی و پیامدهای چنین نگرش‌هایی را در مورد حکومت‌داری و روابط بین‌الملل آشکار می‌کند.

برتون در مورد رابطه تاریخی و معاصر انگلیس با فرهنگ اسلامی و تأثیر این غفلت بر توانایی آن در اداره و تعامل با مناطق با اکثریت جمعیت مسلمان توضیح می‌دهد. احساسات ابرازشده، حاکی از ناامیدی انگلستان از عدم درک عربیت و فرهنگ اسلامی است؛ به‌ویژه در زمینه حکومت این کشور بر سرزمین‌های مسلمان، مانند افغانستان و مصر. برتون معتقد است که این غفلت منجر به شکست انگلستان شده است. علت اینکه برتون چنین برآشفته شده، این است که انگلیس باید شرق را کنترل کند؛ زیرا جمعیت مسلمانان به‌مراتب بیشتر از سایر گروه‌ها است و انگلستان نباید این جمعیت کثیر را از دست بدهد؛ بلکه باید برای مطالعات و شناخت هرچه بیشتر شرق برنامه داشته باشد. برتون در ادامه می‌نویسد:

اکنون مسلمانان نباید توسط جوانان خامی اداره شوند که به جای اینکه در مدرسه و دانشگاه باشند، مناصب معتمد را در دست دارند. کسی که از پس شرقیان با موفقیت برمی‌آید، اولاً باید صادق و راستگو باشد و ثانیاً با آداب و رسوم آن‌ها آشنا باشد و اگرچه با شریعت و دین آن‌ها آشنایی ندارد. شاید برای ما سخت باشد که بتوانیم آن فضایل بکر را به انگلستان بازگردانیم، آن لحن و خلق‌وخوی که او را به آنچه هست تبدیل کرد؛ اما به هر حال ما (خودم و انبوهی از دیگران) می‌توانیم وسیله رفع جهل انگلستان نسبت به نژادهای شرقی که دائماً با آن‌ها در تماس است، باشیم (ج ۱: ۳).

سطور بالا نیز همانند اظهارات قبلی ریچارد برتون حکایت از دیدگاه شرق‌شناسانه وی دارد؛ زیرا «مسلمانان» را نیازمند راهنمایی و نظارت غرب نشان می‌دهد. عبارت «جوانان خامی اداره شوند که به جای اینکه در مدرسه و دانشگاه باشند، مناصب معتمد را در دست دارند» دلالت بر دیدگاه بالادستی غرب نسبت به مسلمانان دارد که

آن‌ها را نابالغ و نیازمند راهنمایی غرب می‌داند. این با تصور مستشرقان که شرق به آموزش و نظارت تمدن غربی نیاز دارد، هم‌سو است. علاوه بر این، این ادعا که «کسی که از پس شرقیان با موفقیت برمی‌آید، اولاً باید صادق و راستگو باشد و ثانیاً با آداب و رسوم آن‌ها آشنا باشد» نشان‌دهندهٔ تصویری است که غرب دارد و کلید مدیریت یا درک موفق فرهنگ‌های شرقی است. این باور بدان معناست که شرق بدون دیدگاه غربی، اساساً غیرقابل درک است.

یکی از نمونه‌های شرق‌شناسانهٔ برتون که می‌توان به آن اشاره کرد، تصویر برتون از جنسیت و تمایلات جنسی در ترجمهٔ وی است. در هزارویک شب، پاورقی‌ها و تفسیر برتون دیدگاه خاصی از تمایلات جنسی شرقی و آداب اجتماعی را منعکس می‌کند که می‌توان آن را به بازتاب حس برتری و عجیب‌گرایی تعبیر کرد؛ برای مثال، ترجمه‌های صریح او از قسمت‌های مربوط به تمایلات جنسی و تفسیر او در مورد اعمال جنسی به تصویر کشیده‌شده در داستان‌ها، بازتابی از طرز فکر استعماری تلقی می‌شود که شرق را از هنجارهای غربی دور می‌کند. می‌توان حاشیه‌نویسی‌های ترجمهٔ او را به‌عنوان شاهدهی بر خصومت یا تحقیر گسترده‌تر نسبت به فرهنگ‌ها و جوامع شرقی در نظر گرفت و استدلال کرد که برتون بر جنبه‌هایی تأکید می‌کند تا فرهنگ شرق را بسیار متفاوت از فرهنگ غرب بازنمایی کند و هنجارهای شرقی را نسبت به هنجارهای غربی، غیرعادی به خوانندگان غربی معرفی کند. توجه به این نکته ضروری است که اگرچه ترجمه‌های برتون در رساندن ادبیات شرق به مخاطبان غربی بسیار ارزشمند بودند؛ اما ترجمهٔ وی منعکس‌کنندهٔ سوگیری‌ها و نگرش‌های زمان و دورهٔ خود برتون است. نوشته‌های او همچنین نشان‌دهندهٔ احساس برتری غرب و اغماض نسبت به مردم و جوامع شرق است. کولت کولیگن^۱ معتقد است که در اواخر قرن هجدهم، به تحریک سر ریچارد برتون، ترجمه‌های ناپسند متون هندی و عربی پدیدار شد (۲۰۰۲: ۳۱).

برتون از هر فرصتی استفاده می‌کند تا خرافه‌های شرقی را به رخ بکشد. در «قصهٔ وزیر و حکیم دویان»، دویان مردی با استعداد فوق‌العاده، با توانایی خواندن عربی، یونانی، فارسی، ترکی، بیزانسی، سریانی، عبری و سانسکریت است و همچنین درکی عمیق از گیاه‌شناسی، فلسفه و تاریخ طبیعی دارد. دویان داروی خود را به روشی غیرمعمول به کار می‌برد؛ یک پتک و توپ آماده می‌کند و دستهٔ پتک را با داروی خود پر می‌کند. با این کار شاه یونان را از جذام نجات می‌دهد. هنگامی که شاه با توپ و پتک بازی می‌کند، عرق می‌کند و به این ترتیب دارو از طریق عرق دست به جریان خون جذب می‌شود. پس از یک حمام کوتاه و یک خواب، پادشاه درمان

می‌شود و به دویان ثروت و افتخار سلطنتی می‌دهد؛ اما وزیر پادشاه به دویان حسادت می‌کند و شاه یونان را متقاعد می‌کند که باور کند دویان بعداً دارویی برای کشتن او تولید خواهد کرد. شاه در نهایت تصمیم می‌گیرد دویان را به خاطر خیانت ادعایی وزیر، مجازات کند و او را برای سربریدن احضار می‌کند. دویان پس از درخواست ناموفق برای نجات جان خود، یکی از کتاب‌های ارزشمند خود را به شاه پیشنهاد می‌کند تا بقیه خرد خود را به او منتقل کند. شاه موافقت می‌کند. روز بعد، سر دویان بریده می‌شود و شاه کتاب را بازمی‌کند و متوجه می‌شود هیچ متنی روی کاغذ وجود ندارد. با هر بار خیس کردن انگشت با زبان، برای ورق‌زدن و جداکردن برگ‌های چسبیده به هم، احساس بیماری می‌کند. شاه متوجه می‌شود که برگ‌های کتاب مسموم شده‌اند و می‌میرد.

در این داستان برتون به مطلبی می‌پردازد که قصدش نشان‌دادن شرق خرافی است. در داستان، حکیم دویان از جیش سوزن‌دانی بیرون می‌آورد و از داخل آن پودری سرمه‌مانند را داخل سینی می‌ریزد. برتون در پانویس صفحه به تاریخچه سرمه می‌پردازد و می‌گوید: «آن چیزی که در بازارها فروخته می‌شود، سنگ معدن خاکستری واقعی سرمه نیست؛ بلکه یک گوگرد سرب است» (جلد ۱: ۵۹)؛ سپس تاریخچه استفاده از آن را شرح می‌دهد و می‌گوید:

هنگامی که خداوند خود را در کوه سینا از سوراخی به اندازه یک سوزن به موسی نشان داد، پیامبر بیهوش شد و کوه آتش‌گرفت و خداوند فرمود: «از این پس تو و نسل تو خاک این کوه را ساییده و به چشم خود بمالید!» شرقیان پودر را در یک چیز به اسم گنجانک سرمه نگهداری می‌کنند و با یک سوزن ضخیم به داخل پلک می‌زنند و آن را در امتداد لبه پلک می‌کشند (جلد ۱: ۵۹).

جالب اینکه برتون این مورد را به رابطه زناشویی ربط می‌دهد و معتقد است «در شرق گنجانک سورمه و سوزن ضخیم سورمه دلالت بر اعضای جنسی دارند و در موارد زنا این سؤال مطرح می‌شود که آیا سوزن را در سوزن‌دان سرمه دیدی؟» ... استفاده از سرمه در هند جهانی بود؛ اما اکنون نمونه اروپایی به تدریج آن را لغو می‌کند (جلد ۱: ۵۹).

باید پرسید که آوردن این پانویس در این داستان برای چیست و اشاره به موارد جنسی در این داستان چه ارتباطی با موضوع «داستان حکیم دویان» دارد؟ هیچ ارتباط منطقی‌ای بین تاریخچه سرمه و داستان حکیم دویان وجود ندارد و اشاره به گنجانک و سوزن ضخیم و دلالت آن‌ها بر اعضای جنسی نیز ربطی به داستان ندارد و این نکته را القا می‌کند که شرقیان همواره در فکر مسائل شهوانی و جنسی هستند و خواننده غربی چیزی جز این از این پانویس دریافت نخواهد کرد. آنچه مهم است

این است که در همین پانویس، برتون شرق و اروپا را در موضوع سرمه رودروی هم قرار داده تا اروپا را عقلانی جلوه دهد که از سرمه استفاده نمی‌کند و بر آن خط بطلان کشیده است. عبارت اروپا در داستان‌های هزارویک شب بسیار تکرار شده است و هر جا برتون قصد دارد رسم و رسومی از شرق را بیان کند، بلافاصله همانند سطور بالا فرهنگ اروپایی را برتر و بالادست معرفی می‌کند. کلمه اروپا صدها بار تکرار شده است. حال سؤال این است که چرا باید این کلمه در ترجمه هزارویک شب این همه تکرار شود و مورد توجه قرار گیرد؟

برتون در پاسخ به سؤال یکی از دوستانش که پرسیده بود چرا هزارویک شب را ترجمه کردید، گفته بود:

بسیاری از دانشجویان شرق‌شناسی به من اطمینان می‌دهند که مشتاق هستند که این اثر در خام‌ترین و واقعی‌ترین شکل آن ترجمه شود. نامه‌هایی دریافت کرده‌ام که می‌گویند (شما که می‌توانید) به ما اطلاع دهید که عرب داستان‌های هزارویک شب که بود؟ بگذارید او را همان‌طور که هست ببینیم؛ اگر خوب و بلندفکر است، بگذارید او را ببینیم؛ اگر شوخ و بذله‌گوست، بگذارید او را بشنویم؛ اگر درشت و بی‌پرده، بی‌ادب، کودکانه و ناشایست است، با این حال اجازه دهید او را کامل و جامع ببینیم. ما برای یک‌بار هم که شده، مرد واقعی را می‌خواهیم. ما یک عرب قرون‌وسطایی را خواهیم داشت که به شیوه خودش قصه‌ها و سنت‌ها را با ادیان و افسانه‌های سرزمین خودش می‌گوید و به دنیا نشان می‌دهد که چه چیزی باقی مانده و چگونه تا به امروز زنده مانده است؛ درحالی‌که ما غربی‌ها در فرهنگ و ادب پیشرفت کرده‌ایم. مهم‌تر از همه، زبان ساده و بی‌آلایش اصلی را به ما نشان دهید که در تضاد با زبان انگلیسی زمان ماست و در کنار این شعورها، هوش و خرد انباشته‌شده، دانش زندگی و تجربه یک نژاد دنیای قدیم را به ما نشان دهید (۲۰۰۸: ۳۴۶).

در جملات بالا می‌توان عناصری از شرق‌شناسی را آن‌گونه که ادوارد سعید توصیف کرده است، مشاهده کرد. ریچارد برتون به‌طور تاریخی فرهنگ‌ها و جوامع شرقی را غالباً از دریچه‌ای عجیب‌گرایی، غیریت و برتری مشاهده کرده و به تصویر کشیده است. جملات فوق با به‌تصویر کشیدن تمایل «دانشجویان متفرقه شرق‌شناسی» برای مواجهه با «انسان اصیل» از جهان عرب در «خاموش‌ترین و واقع‌بینانه‌ترین شکل» این امر را منعکس می‌کند. این را می‌توان در چهارچوب شرق‌شناسی به‌عنوان میل به دیدن «دیگری» به شیوه‌ای خاص که با پیش‌برداشت‌ها و خیال‌پردازی‌های غربی مطابقت دارد، درک کرد. تأکید بر اینکه بخواهیم عرب را «خوب و بلندمرتبه»، «شوخ و بذله‌گو» یا «درشت و بی‌تربیت، بی‌ادب، کودکانه و ناشایست» ببینیم، نشان‌دهنده تمایل به طبقه‌بندی و درک «دیگری» شرقی براساس انتظارات و کلیشه‌های غرب

است. سطور بالا همچنین شیفتگی به ایده «عرب قرون وسطایی» و رمانتیک کردن گذشته را نشان می‌دهد و تضاد درک‌شده بین فرهنگ «پیشرفت» غربی و قدیمی بودن جهان عرب را برجسته می‌کند. این تجسم گرایش شرق‌شناسی به تصویرکردن فرهنگ‌های شرقی به‌عنوان بی‌زمان و تغییرناپذیر است که تضادی با ماهیت پویا و در حال تحول غرب ارائه می‌دهد. عبارت «زبان ساده و بی‌آلایش اصلی» در کنار «ذهن و خرد انباشته» و «دانش زندگی و تجربه یک نژاد قدیمی» نشان‌دهنده تمایل به عجیب‌وغریب‌کردن و دورکردن پیچیدگی از فرهنگ عرب است تا آن را به یک بازنمایی ساده و سبک که با انتظارات و خواسته‌های غربی هم‌سوست، تقلیل دهد. جملات فوق را می‌توان بازتاب گرایش‌های شرق‌شناسی ریچارد برتون دانست. او بر تمایل به مواجهه با «دیگری شرقی» به‌گونه‌ای تأکید می‌کند که ادراکات و خیال‌پردازی‌های غربی را تقویت می‌کند، نه پرداختن به پیچیدگی‌ها و ظرایف فرهنگ‌های واقعی جوامع شرقی را. ترجمه برتون همچنین منعکس‌کننده نگرش‌های غالب استعماری آن زمان بود که مشرق‌زمین را عقب‌مانده، مرموز و نیازمند «روشنگری» غربی نشان می‌داد. ترجمه وی جوامع شرقی را غیرقابل درک و ذاتاً پست‌تر از تمدن غربی به تصویر می‌کشد که کلیشه‌ها را تداوم می‌بخشد و پویایی‌های قدرت استعماری را تقویت می‌کند.

ترجمه سر ریچارد برتون از هزارویک شب به‌عنوان دروازه‌ای برای درک دیدگاه‌های شرق‌شناسی رایج در قرن نوزدهم عمل می‌کند. تصویر او از مشرق‌زمین در این اثر مملو از حس رمانتیسم، عجیب و غریب و شهوانی است که منعکس‌کننده شیفتگی غالب غرب به شرق اسرارآمیز و جذاب است تا آن را مورد تجاوز خود قرار دهد. پاراماری^۱ به برتون، از طریق مقاله «جغرافیا و برخی کاوشگران» به قلم جوزف کنراد^۲ اثر معروفش قلب تاریکی، می‌نگرد. وی معتقد است کنراد از نگاه‌کردن به نقشه آفریقا و دیدن فضاهای خالی، بسیار با جذابیت صحبت می‌کند که فضایی برای اجرای فانتزی‌های امپراتوری باقی می‌گذارد. او رؤیای بازدید از این فضاهای خالی را در سر می‌پروراند؛ حتی درحالی‌که تهی‌بودن آفریقا را آرزو می‌کند که ورود او نشان از نابودی آن فضاهای خالی دارد. به همین ترتیب، در روایت شخصی، لکه سفید که در تخیل بریتانیایی عربستان (یا سند) است، تئاتر کاملاً ساخته‌شده‌ای را برای اشغال استعماری فراهم می‌کند (۱۹۹۵: ۱۹۲).

اشاره به سمرقند به‌عنوان سرزمین توحش

برتون در ترجمه خود وقتی داستان شاه‌زمان و شهریار را بیان می‌کند، می‌گوید:

بنابراین او موفق شد به امپراتوری دست یابد. او بر این سرزمین حکومت می‌کرد و آن را با عدالت و انصاف بر نواحی خود حکمرانی می‌کرد؛ چنان‌که همه مردم پایتخت و پادشاهی خود او را دوست داشتند. نام او شاه شهریار بود و برادر کوچک‌ترش شاه‌زمان را پادشاه سمرقند در سرزمین توحش کرد (جلد ۱: ۱).

علاوه بر این، ترجمه برتون از هزارویک شب گرایش‌های شرق‌شناسانه زمان خود را در برمی‌گیرد و منعکس‌کننده پیش‌تصورات و خیال‌پردازی‌های غربی در مورد شرق است. سپس^۱ از سر ریچارد برتون به‌عنوان دایره‌المعارف زنده در حوزه شرق‌شناسی نام می‌برد (۱۹۲۱: ۲۸۲). پنزر^۲ هم بر این اعتقاد است که دانش عملی برتون راجع به شرق هماره بی‌نظیر و بی سابقه است (۳۰۶).

ترجمه برتون، در چهارچوب وسیع‌تر شرق‌شناسی، شکلی از هژمونی فرهنگی را منعکس می‌کند که در آن غرب نقش اقتدار فرهنگی و فکری غالب را بر عهده می‌گیرد. این می‌تواند به تقویت عدم تعادل قدرت و تحمیل تفاسیر غربی بر فرهنگ‌های شرقی کمک کند. در جایی از هزارویک شب برتون می‌گوید:

شیوخ و ریش‌سفیدهای قبیله به جدیت جای خود را می‌گیرند و با دامن‌های پهن انگار به‌سان تپه‌هایی هستند در دشت که در اطراف آتش اردوگاه می‌نشینند؛ درحالی‌که من مهمان‌نوازی آن‌ها را پاداش می‌دهم و تداوم آن را با خواندن صفحاتی از داستان‌های مورد علاقه آن‌ها تضمین می‌کنم. زنان و کودکان به‌سان شیخ‌هایی در خارج از رینگ بی‌حرکت ایستاده‌اند و همه با توجه و شگفتی گوش می‌دهند. به نظر می‌رسد که آن‌ها کلمات را با چشم و دهان و همچنین با گوش می‌نوشند. خارق‌العاده‌ترین پروازهای تخیلی، وحشیانه‌ترین غیرممکن‌ها، غیرممکن‌ترین غیرممکن‌ها، برایشان کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد؛ صرفاً مسائلی که هر روز اتفاق می‌افتند (جلد ۱: ۲۴).

از نقل قول بالا می‌توان فهمید که ریچارد برتون تمایل دارد از تمثیل‌ها و کلیشه‌های خاصی استفاده کند و شرق را به‌عنوان مکانی رازآلود، شهوانی و خیال‌پردازی به تصویر بکشد. در سطور بالا استفاده از تشبیه می‌تواند این نکته را القا کند که ریچارد برتون در مقام مستشرق، اعراب را به‌سان تپه می‌بیند. این حتی ممکن است این نکته را القا کند که آن‌ها چاق و بی‌ریخت هستند و توانایی انجام کارها را ندارند. نکته دیگر، تقابل نشستن و ایستادن در سطور بالاست که مردان را در جایگاه نشستن و زنان را در جایگاه ایستادن قرار داده است و از این نکته استنباط می‌شود که شرقیان مردسالار و خشن هستند و می‌بینیم برای زنان از تشبیه

1 A. H. Sayce

2 N. M. Penzer

شبح استفاده کرده است که این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که عموماً شرقیان زن را نادیده می‌گیرند و شبح‌هایی می‌پندارند که آمادۀ خدمت به مردان هستند. این سطور و این اظهارات، برتون را به یکی از مفاهیمی که در مطالعات فرهنگی وجود دارد و آن مفهوم امپریالیسم فرهنگی است پیوند می‌دهد. مفهوم «امپریالیسم فرهنگی» به تسلط یا نفوذ یک فرهنگ بر فرهنگ دیگر اشاره دارد که اغلب از طریق تحمیل ارزش‌ها، هنجارها و دیدگاه‌های فرهنگی تجلی می‌یابد. ویکرام سینگ آماروات^۱ معتقد است سفرنامه‌های فرانسیس ریچارد برتون را می‌توان بخشی از گفتمان استعماری دانست. او را می‌توان یکی از بزرگان امپریالیست و شرق‌شناسان دوران ویکتوریا نامید. واقعیت این است که اهمیت هر سفرنامه به ویژگی مکانی یا زمانی آن محدود نمی‌شود؛ بلکه انگیزه‌های پشت آن چیزی را که به تصویر کشیده می‌شود، دربرمی‌گیرد و شیوه‌هایی که از چنین تصویری استفاده می‌شود یا قابل استفاده در آینده است نیز اهمیت گفتمانی آن را نشان می‌دهد. سفرنامه‌های برتون را می‌توان به‌راحتی پروژه‌ای برای مشروعیت‌بخشیدن به سلطۀ استعماری بریتانیا بر شرق دانست (۲۰۱۶: ۶۴۵-۶۴۴). هنگام بررسی ترجمۀ ریچارد فرانسیس برتون از هزارویک شب در چهارچوب امپریالیسم فرهنگی، چند جنبه آشکار می‌شود:

ترجمۀ وی تداوم کلیشه‌های شرق‌شناسانه را تقویت می‌کند. سیرونوال^۲ معتقد است که نسخه‌های هزارویک شب برتون، بازسازی شخصی داستان‌های اصلی است که برای تثبیت تصویر شرق‌شناسانه از شرق «غریب‌شده» حس‌گرایانه طراحی شده است و همچنین برای «افشای نه شرق؛ بلکه یک شرق شخصی» استفاده می‌شود (۲۰۰۶: ۲۴۰). العیسی معتقد است پانویسی شرق‌گرایانه برتون از هزارویک شب، که به‌دنبال ارضای اشتیاق و علاقه غرب به عجیب‌گرایی شرق بود، نتیجه روح جدید سفرنامه‌نویسی حرمسرا و ادبیات حرمسرا بود که بیشتر بر ایده‌های ازپیش‌تعیین‌شده شخصی سفرنامه‌نویسان، مترجمان و ویراستاران درباره مشرق‌زمین متمرکز بود. درمورد واقعیت موضوعات، خود ایده مشرق‌زمین که از طریق بازپردازی خیالی شرق‌شناسانه برتون از هزارویک شب ساخته شده است، حکایت از یک ضد‌رئالیسم نوظهور جدید در شرق‌شناسی قرن نوزدهم است و پاسخی به تقاضای خوانندگان برای اگزوتیسم، که هم‌سو با موقعیت ایدئولوژیک و منافع شخصی وی بود. هننوم^۳ معتقد است:

ترجمه بخشی از کل فعالیتی بود که دولت استعماری راه‌اندازی کرد؛ کاری که دانش را

1 Vikram Singh Amarawat

2 Sirnival

3 Hannoum

برای استعمار ضروری می‌کرد. برای شناخت بومیان نه تنها باید آن‌ها را مورد مشاهده قرار می‌دادند و آنان را بررسی و مطالعه می‌کردند و فرهنگ و جامعه آن‌ها را درک می‌کردند؛ بلکه باید آن‌ها را نیز می‌شناختند. اعتقاد بر این بود که زمان حال «آن بیرون» است که با مشاهده قابل درک است؛ اما گذشته در اسناد ثبت می‌شود و تنها با یک اثر ترجمه، مستقیم یا غیرمستقیم، قابل درک است (۲۰۰۳: ۶۱).

ادوارد سعید، ریچارد فرنسیس برتون را با برنامه شرق‌شناسی-امپریالیستی همدست می‌داند و معتقد است که اثر او «حس ادعا و تسلط بر تمام پیچیدگی‌های زندگی شرقی» را مشعشع می‌کند و نشان‌دهنده آگاهی «موقعیت برتری بر مشرق‌زمین» است (۱۹۸۹: ۱۹۶)؛ به این معنا که «ما باید تشخیص دهیم که چگونه صدای استاد بسیار عجیب و غریب شرقی‌شناسی، به صدای جاه‌طلبی اروپا برای حکومت بر مشرق‌زمین می‌خورد... شرق از زمانی که یک مکان بود، به قلمروی حکومت علمی واقعی و نفوذ بالقوه امپراتوری تبدیل شد» (۱۹۷-۱۹۶).

نتیجه

ترجمه سر ریچارد برتون از هزارویک شب را می‌توان از دریچه شرق‌شناسی ادوارد سعید بررسی کرد. نتایج تحقیق نشان داد که تفسیر برتون از این داستان‌ها رویکردی غربی را توصیف می‌کند که به دنبال تسلط، بازسازی داستان‌ها، و اعمال اقتدار بر فرهنگ و مردمی است که در داستان‌ها نمایش داده می‌شوند. نتایج تحقیق نشان داد که برتون از دریچه پیشینه فرهنگی خود، به هزارویک شب توجه کرده است و در آن براساس سلیقه خویش دخل و تصرف کرده و شرق را مطابق میل خویش دستکاری و تحریف کرده است. مفهوم «تسلط، بازسازی و داشتن اقتدار بر دیگری» که ادوارد سعید در کتاب شرق‌شناسی به کار می‌برد را به راحتی می‌توان در ترجمه ریچارد برتون دید که در آن دیدگاه غربی برتون به دنبال کنترل و تفسیر مجدد روایت‌ها و عناصر فرهنگی هزارویک شب براساس ارزش‌ها و اولویت‌های خود است. مفهوم «دارای اقتدار بر دیگری» که ادوارد سعید در کتاب شرق‌شناسی به کار می‌برد، به بازنمایی و تفسیر غربی از جوامع خاورمیانه، آسیایی و شمال آفریقا اشاره دارد. این بازنمایی اغلب شامل طرح کلیشه‌های غربی، پیش‌داوری‌ها و پویایی قدرت بر فرهنگ‌های غیرغربی است. تحلیل آثار برتون به مثابه نوعی سلطه و تجدید ساختار، حکایت از نگاهی انتقادی به رویکرد او به هزارویک شب دارد. این نشان می‌دهد که تفسیر او داستان‌های اصلی را به گونه‌ای تغییر داده که با انتظارات و ترجیحات غربی مطابقت داشته باشد و به‌طور بالقوه اهمیت فرهنگی آن‌ها را کم‌رنگ یا تحریف کرده باشد. به‌طور کلی، نتایج تحقیق اثبات کرد که ترجمه

هزارویک شب نگرانی‌هایی را دربارهٔ امپریالیسم فرهنگی، پویایی قدرت بازنمایی و تأثیر دیدگاه‌های غربی بر روایت‌های غیرغربی ایجاد کرده است. خوانش شرق‌شناسانهٔ ترجمهٔ هزارویک شب توسط برتون نشان داد که چگونه ترجمهٔ او به ساخت شرق به‌عنوان مکانی برای تخیل و دیگری‌بودن در چشم مخاطب غربی کمک کرده است. این نشان می‌دهد که چگونه این اثر کلیشه‌ها و تصاویر عجیب و غریب را که پیچیدگی‌های فرهنگ‌ها و جوامع شرقی را تحریف می‌کنند، تداوم بخشیده است. این مقاله از حمایت مالی هیچ نهاد یا مرکز آموزشی و یا طرح پژوهشی مصوب استفاده نکرده است.

منابع

- روزبه، روح‌اله؛ انوشیروانی، علیرضا (۱۳۹۵). «هزارویک شب از منظر بازآفرینی ادبی». *کاوش‌نامهٔ ادبیات تطبیقی*، ۶:۲۲، صص: ۶۹-۴۹.
- Al-Absi, A. (August. 2018) "Interrogating Richard Burton's Arabian Nights: Harem Literature and the Question of Representational Authenticity". *Contemporary Literary Review India*, 3, pp. 1-37. .
- Al Hadi, A. Q. S. (July 2021). Victorian Orientalist Poetry: Origins and Meanings. *Asian Journal of Arts, Culture and Tourism*, 3, pp. 19-31.
- Amarawat, V. S. (Spring. 2016). Cultural Imperialism And Travel Writing: Glimpses Of Richard Burton's Travelogue. *Proceedings of the Indian History Congress*, 77, pp. 644-650.
- Burton, R. (2007) *The Book of the Thousand Nights and a Night*, 10 vols. 1885. United Kingdom, Kama Shastra Society Press. .
- Colligan, C. (2002). "Esoteric Pornography": Sir Richard Burton's *Arabian Nights* and the Origins of Pornography. *Victorian Review*, 28, pp. 31-64. doi: 10.1353/vcr.2002.0019
- Hannoum, A. (February 2003). "Translation and the Colonial Imaginary: Ibn Khaldûn Orientalist." *History and Theory*, 42, pp. 61-81. *JStOR*, doi: 10.1111/1468-2303.00230
- Kennedy, D. (July 2000). "Captain Burton's Oriental Muck Heap": The Book of the Thousand Nights and the Uses of Orientalism. *Journal of British Studies*, 39, pp. 317-339. doi: <https://doi.org/10.1086/386222>
- Kabbani, R. (2009) *Imperial Fictions: Europe's Myths of Orient Paperback*, London, Saqi Books Publication.
- Knipp, C. (January 1974). "The "Arabian Nights" in England: Galland's Translation and Its Successors". *Journal of Arabic Literature*, 5, pp. 44-54. doi: <https://doi.org/10.1086/jal.5.1.4613147>

doi.org/10.1163/157006474X00042

- Kurlander, R. E. (2016). *The Arabian Nights in Translation: How the World of Scheherazade was Epitomized by the West*. Connecticut, Wesleyan University Press.
- Penzer, N. M. (March, 1921). "The Centenary of Sir Richard Francis Burton". *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, 2, 304–307. doi: <https://doi.org/10.1017/S0035869X00063383>
- Rosenthal, M. M. (November, 1990). "Burton's Literary Uroburos: "The Arabian Nights" as Self-Reflexive Narrative". *Pacific Coast Philology*, 25., pp. 116–125. <https://doi.org/10.2307/1316811>
- Roy, P. (Spring, 1995). "Oriental Exhibits: Englishmen and Natives in Burton's Personal Narrative of a Pilgrimage to Al-Madinah & Meccah". *Boundary 2*,), pp. 185-210. doi: ۳۰۳۶۶۶/۱۰,۲۳۰۷
- Said, E. W. (2003). *Orientalism*. Penguin Classics.
- Sayce, A. H. (April, 1921) "Sir Richard Francis Burton." *The Geographical Journal* 57, pp. 282–83. <https://doi.org/10.2307/1780560>.
- Sironval, M. (2006) "The Image of Sheherazade in French and English Editions of the Thousand and One Nights." In *The Arabian Nights and Orientalism: Perspectives from East and West*. Ed. Yuriko Yamanaka and Tetsuo Nishio. London: I.B. Tauris Publication. Pp. 219-244. .
- Wazzan, A. M. (Spring, 1993). The Arabian Nights in Western Literature: A Discourse Analysis. *Islamic Studies*, 32, pp. 61–71.
- Weber, H. W,(1812) ed. *Tales of the East: comprising the most popular romances of Oriental origin, and the best imitations by European authors. To which is prefixed an introductory dissertation by H. Weber*. Vol. 2.. New Zealand: J. Ballantyne Publication.
- Yared, A. (2000). "Joyce's Sources: Sir Richard F. Burton's "Terminal Essay" in "Finnegans Wake." *Joyce Studies Annual*, 11, pp. 124–166. doi: 10.5555/jsa.2000.11.124.

Sir Richard Francis Burton's Imperialistic and Orientalist Translation of One Thousand and One Nights

Rouhollah Nematollahi¹

Masoud Sharififar^{2*}

Farshid Najar Homayounfar³

Abstract

One of the fields of comparative literature is interdisciplinary studies. Interdisciplinary studies make connections between disciplines. The link between literary criticism and literature and translation is one of the interdisciplinary fields. This article deals with the Orientalist analysis of Burton's translation of One Thousand and One Nights. The main problem of the research is what was the reason for Burton's attention to One Thousand and One Nights and devoted attention to One Thousand and One Nights and why he chose to translate it? The aim of the article is to show that Burton's translation of Arabian Nights aligns with the tenets of Orientalism, suggesting that in translating One Thousand and One Nights, he viewed the West as superior and perceived the East, as portrayed in the stories, as lesser. The research method employed in this article is descriptive, analytical, and based on library resources, while the theoretical framework draws on Edward Said's Orientalist theories. The findings of this study indicate that in translating One Thousand and One Nights, Burton projected a sense of Western superiority and Eastern inferiority, using translation as a means to explore the East rather than appreciating its literary merit, a standpoint rooted in imperialism. This research showed that the translation of the Thousand and One Nights reflects Burton's orientalist attitudes and imperialist prejudices, and shows that he considered the translation as a tool for the superiority of European ideas against eastern culture and presents the East as an essentialist geography of lust to the world.

Keywords: One Thousand and One Nights, Colonialism, Translation, Sir Richard Burton, Orientalism

1. Assistant Professor of French language and literature, Department of Foreign Languages, Shahid Bahonar University of Kerman. Kerman, Iran. nematollahi@uk.ac.ir

2. Associate Professor of Translation Studies, Department of Foreign Languages, Shahid Bahonar University of Kerman. Kerman, Iran (corresponding author) m.sharifi@uk.ac.ir

3. Instructor of English Language and literature, Department of Foreign Languages, Shahid Bahonar University of Kerman. Kerman, Iran. farshid_nhomayounfar@uk.ac.ir

How to cite this article:

Rouhollah Nematollahi; Masoud Sharififar; Farshid Najar Homayounfar. "Sir Richard Francis Burton's imperialistic and orientalist translation of One Thousand and One Nights". *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts and Humanities*, 4, 2, 2024, 183-202. doi: 10.22077/islsh.2024.7399.1419



Copyright: © 2023 by the authors. Licensee Journal of *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts & Humanities*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).